

نقد چارچوب تحلیلی مواجهه با فساد و رانت‌جویی در مقالات فارسی‌زبان

احمد بخارایی^۱، حمیدرضا غریبی^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۳/۸/۲۹

چکیده

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا نظریه دولت رانتي آن گونه که در مقالات فارسی‌زبان انعکاس یافته، می‌تواند به عنوان ابزار تحلیلی مناسبی برای تبیین فساد اداری به کار رود یا نه. از این رو، به مطالعه ۴۴ مقاله در این زمینه پرداخته و با روش تحلیل مضمونی، پس از رسیدن به اشباع نظری، اصول موضوعه‌ای را استخراج کرده که در ارتباط شبکه‌ای با همدیگر، شالوده بنیادین طیف متنوعی از مقالات چاپ‌شده را تشکیل می‌دهند. در ادامه، نشان داده شد که این انگاره شبکه‌ای برای بقای خود، ناچار واقعیت را نادیده می‌گیرد و آن را به قامت خود درمی‌آورد. نتیجه چنین انگاره‌ای این است که مقالات علمی فارسی‌زبان، در این زمینه، به جای کمک به فهم فساد اداری، واقعیت را نادیده می‌گیرد، لذا کاربست آن به عنوان ابزار تحلیلی مناسب، نیازمند بازبینی جدی است. در پایان نیز، ضمن نقد اصول موضوعه این انگاره، بر بخش‌هایی از واقعیت تأکید گردید که از دید چنین «منظومه اندیشگی» پنهان مانده و لذا نیازمند تأمل و بازبینی است.

واژگان کلیدی:

فساد اداری، اصل موضوعه، رانت‌جویی، چارچوب تحلیلی، منظومه اندیشگی.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور. نویسنده مسئول، ایمیل: Bokharaei_Ah@Yahoo.Com

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه پیام نور

مقدمه و بیان مسئله

مسائل مربوط به فساد اداری، رانت‌جویی و دولت رانتی مدت‌ها ذهن اندیشمندان ایرانی را به خود معطوف داشته است. جستجوی کلیدواژه رانت‌جویی در اینترنت منجر به ارائه ۴۵۸ هزار لینک به زبان فارسی خواهد شد. در حالی که یکی از دغدغه‌های همیشگی مسئولان رده بالا در ایران و نیز اندیشمندان ایرانی، مبارزه با فساد بوده، همچنان شاهد بروز مسائلی از قبیل «اختلاس ۳۰۰۰ هزار میلیاردی»^۱، «ماجرای ب.ز.»^۲، «رانت معدن سنگ‌آهن»^۳، «رانت ۷۰۰۰ هزار میلیاردی»^۴، «رانت ۶۵۰ میلیون یورویی»^۵ و ... هستیم. تحقیقات بر روی میزان درآمد افراد جامعه، نشان از این دارد که سطح درآمد از حرکتی نزولی برخوردار شده است (رفعی‌پور، ۱۳۷۹). در نتیجه، با شکل‌گیری چنین وضعیتی، احتمال درگیر شدن افراد در عرصه رقابت‌های اجتماعی ناعادلانه برای دستیابی به اهداف خود از طریق مسیرهای غیر قانونی، افزایش می‌یابد. (محمودی، ۱۳۸۴؛ ربیعی، ۱۳۸۳)

فساد اداری، ابزاری نامشروع در برآوردن تقاضاهای نامشروع از نظام اداری است و به عنوان فساد مالی سطح پایین می‌تواند همواره در برخورد با مدیران عمومی تمامی بخش‌ها، از بیمارستان و پلیس گرفته تا شهرداری‌ها و گمرک‌ها مشاهده شود (منصورنژاد، ۱۳۸۸). رشوه و سوءاستفاده از موقعیت شغلی، وجه اشتراک اغلب تعاریف ارائه شده درباره فساد دستگاه‌های دولتی را تشکیل می‌دهند. فساد اداری می‌تواند بسته به بافتاری که در آن رخ می‌دهد، قالب‌های متفاوتی به خود بگیرد. از جمله فرم‌های فساد اداری می‌توان به اختلاس، کلاهبرداری، پارتی‌بازی، بی‌عدالتی، باج‌خواهی، سرقت اموال و دارایی‌های سازمان، فروش اطلاعات محرمانه و ... اشاره کرد (صبوری، ۱۳۸۷). با این حال، هدف این پژوهش مطالعه انواع فساد اداری و

تبیین تفاوت‌های بافتاری آنها نیست. هیچ (۱۳۸۸) فساد را به صورت معادله ذیل در نظر می‌گیرد:

«پاسخگویی و شفافیت - قدرت پنهان کاری + انحصار = فساد»

خلاصه آنکه می‌توان فساد اداری را نوعی ابزار نامشروع در نظر آورد که به ویژه بین مدیران و کارکنان سطوح میانی نهادهای دولتی دیده می‌شود؛ قالب‌های متفاوتی به خود می‌گیرد و طیف متنوعی از پیامدهای منفی را برای احساس امنیت شهروندان به دنبال دارد. این پدیده در نظر اندیشمندان به عنوان حاصل جمع انحصار و پنهان‌کاری و نیز عدم پاسخگویی و شفافیت دانسته می‌شود.

اندیشمندان علوم انسانی، هنگام مواجهه با هر وضعیتی، تلاش می‌کنند با بهره‌گیری از چارچوب‌های تحلیلی و نظری به تبیین آن بپردازند، به امید آنکه با دریافت فهم درستی از سازوکارهای رخ داده، راه حل‌های توقف چنین سازوکارهایی را به سیاستگذاران پیشنهاد دهند. ربیعی (۱۳۸۳) دو رهیافت اساسی در تبیین علل ظهور و تعمیق فساد، به ویژه فساد سیاسی را در نظر می‌گیرد و پنج رویکرد هزینه-فایده، محرومیت نسبی، رانت‌جویی، کارفرما-غیرکارگزار و حامی‌پروری را برای مواجهه با چنین وضعیتی برمی‌شمارد. خضری (۱۳۸۷) دو رویکرد عمده به فساد اداری را از همدیگر متمایز می‌کند؛ در حالی که در رویکرد نخست به فساد اداری به مثابه ضعف ترتیبات نهادی نگریسته می‌شود، رویکرد دوم فساد اداری را نوعی کژرفتاری بوروکرات‌ها به حساب می‌آورد. در رویکرد اخیرتر به شیوه‌ای اخلاق‌گرا، سراغ افراد رشوه‌ستان به عنوان نمایندگان فساد اداری گرفته می‌شود و در جهت جایگزینی آنها با کارکنان درستکار و صادق‌تر تلاش می‌شود. به باور خضری، «در این رویکرد جوهره فساد اداری هدف قرار نمی‌گیرد و بنابر این، عواملی که به آن دامن زده‌اند، تعدیل یا برداشته نمی‌شوند». او نیز مانند ربیعی، به رانت‌جویی اشاره کرده، فساد اداری را محصول فرایند رانت‌جویی و در واکنش به آن در نظر می‌گیرد.

1. <http://www.irna.ir/fa/News/81363803/>

2. <http://isna.ir/fa/news/92060905117>

3. <http://www.irna.ir/fa/News/81372376/>

4. <http://www.alef.ir/vdciuparwt1a5y2.cbct.html?243705>

5. <http://www.tabnak.ir/fa/news/402754>

(۱۹۷۰) چارچوب بندی شده است. این نظریه، فساد اداری را به عنوان یکی از پیامدهای دولت رانتی و استقلال آن از جامعه می‌داند. اما مسئله دقیقاً اینجاست که این نظریه و دلالت‌های ضمنی آن، به قامت بسیاری از تجربیات حال حاضر نگارندگان این پژوهش راست نمی‌آید. اینجاست که خود این «چارچوب تحلیلی»^۶ به مسأله تبدیل شده و موضوع مذاقه قرار می‌گیرد.

مفاهیم و چارچوب‌های تحلیلی، مهم‌ترین ابزار «عالمان»^۷ برای فهم جهان و سازوکارهای آن هستند. این انگاره‌های ذهنی، اعتبار خود را از واقعیتی می‌گیرند که در ابتدا اندیشمندان با آنها «مواجهه بی‌واسطه» دارند. عالمان برای فهم وجوه مختلف این واقعیت‌ها و تبدیل کردن آنها به موضوعاتی برای مطالعه و تأمل، تلاش می‌کنند مواجهه خود با واقعیت را زبان بخشیده و به آنها حیات ذهنی بدهند. اما پس از آنکه این انگاره‌های ذهنی حیات مادی خود را یافتند، چنانچه مدام به صیقل واقعیت تن ندهند، بسان «طرحواره‌هایی شناختی» عمل می‌کنند که خود را به واقعیت تحمیل می‌نمایند. از این رو، بایستی مدام با واقعیت مورد مقابله قرار گیرند تا ضعف‌هایشان برطرف شود. تازه پس از این است که می‌توان آنها را برای تبیین مسائل بسیار مهمی چون فساد اداری و رانت‌جویی در ایران به کار گرفت. واری «رابطه یک ابزار تحلیلی با واقعیت پیش‌رو» از این جهت ضرورت می‌یابد که تحریف واقعیت توسط ابزار تحلیلی یادشده، به نظرگاه و در نتیجه به راه‌حل‌های جداگانه‌ای می‌انجامد.

با توجه به آنچه گفته شد، سؤال اصلی پژوهش حاضر چنین قابل طرح است که: «نظریه دولت رانتی به عنوان یک نظریه دولتی و الگویی تحلیلی که در بسیاری از مقالات فارسی‌زبان برای تبیین فساد به کار رفته، تا چه میزان واقعیت پیش رو را نادیده می‌گیرد»، تا از این رهگذر راه برای اصلاح چنین نظریات کارآمدی باز شود. این مقاله تلاش

واقعیت این است که امروزه مطالعات نظری کمی درباره راهکارهای رسمی برای کاهش اثرات سطوح مختلف فساد انجام گرفته است (کینگستون، ۲۰۰۸). با این حال، محققان در زمینه رویکردهای تحقیقاتی متداول در پیشگیری از فساد اداری به چهار گروه اشاره می‌کنند. رویکرد اول، به شناخت نظری چستی پدیده فساد و نظریه پردازی علمی در راستای چگونگی مبارزه با آن می‌پردازد. دوم، رویکردی تجربی است که با بهره‌گیری از تجربه‌ها در جهت پیشگیری از بروز فساد گام برمی‌دارد. سوم، رویکردهای ارزشی‌اند که ضمن مراجعه به منابع دینی و مذهبی، مبانی پیشگیری و مبارزه با فساد اداری را استنباط می‌کنند. در نهایت نیز، رویکرد تطبیقی مد نظر قرار دارد که بهره‌گیری از تجربیات سایر کشورها را پیش‌فرض می‌گیرد. (کمیته مطالعات راهبردی، ۱۳۸۷)

رویکرد اول از آنجا که فساد و رانت‌خواری را به صورتی متمرکز و با توجه به بافتار آن مورد مذاقه قرار می‌دهد، بهترین است. رویکرد تجربی همچنان که خضری (۱۳۸۷) نیز اشاره کرده، بیشتر شکل اخلاق‌گرایانه داشته، به جای مبارزه با فساد سیستماتیک، به بهره‌گیری از افراد ساده‌زیست و درستکار دلخوش می‌کند و بدین ترتیب، در عمل بسیار به رویکرد سوم نزدیک می‌شود. با توجه به وضعیت منحصر به فرد اقتصاد در ایران؛ یعنی اقتصاد رانتی که بیش از ۴۲ درصد از درآمد دولت را تأمین می‌کند (دانینگ^۱، ۲۰۱۲)، رویکرد تطبیقی تنها زمانی به کار می‌آید که فساد اداری در ایران با کشورهای رانتی دیگر نظیر ونزوئلا، عربستان و ... مقایسه شود و برای این کار بهتر آن است که به سراغ نظریه دولت رانتی برویم.

در مواجهه با مسئله فساد و رانت در ایران، قبل از هر نظریه‌ای بایستی به سراغ «نظریه دولت رانتی»^۳ رفت؛ زیرا بخش عمده‌ای از درآمد دولت در ایران از فروش نفت به دست می‌آید. نظریه‌ای که عمری ۵۰ ساله دارد و اولین بار توسط افرادی مانند حازم بیلاوی^۴ (۱۹۸۷) و حسین مهدوی^۵

5. Mahdavi
6. Analysis Framework
7. Scientists

1. Kingston
2. Duning
3. Rentier State Theory
4. Beblawi

مقالات علمی به حساب می‌آیند که تقریباً تمامی نویسندگان آنها اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های سراسر ایران می‌باشند. امتیاز پژوهشی ناشی از این مقالات، یکی از معیارهای رده‌بندی اساتید دانشگاه به حساب می‌آید.

مقالات عمومی مقالاتی‌اند که در مجلات غیر علمی نگاشته شده‌اند، اما عمدتاً در دسته «مجلات روشنفکری» جای می‌گیرند و به نوعی تأملاتی را شامل می‌شوند که نویسندگان، اندیشمندان و سیاستگذاران به آنها می‌پردازند. در جدول ۱ می‌توان تعداد این مقالات را به تفکیک سال چاپ و نیز وضعیت علمی یا عمومی بودن مشاهده کرد.

جدول ۱. تعداد مقالات بررسی شده به تفکیک نوع مجله و سال چاپ

تعداد کل	عمومی	علمی ترویجی	علمی پژوهشی	
۱۰	۴	۲	۴	مقالات چاپ شده در دهه ۱۳۷۰
۲۰	۸	۶	۶	مقالات چاپ شده در دهه ۱۳۸۰
۱۴	۳	۳	۸	مقالات چاپ شده در دهه ۱۳۹۰
۴۴	۱۵	۱۱	۱۸	تعداد کل

یافته‌ها

۱. تعریف رانت‌جویی

رانت عبارت است از «مقدار اضافه‌پرداخت شده به کسی یا برای چیزی مفید که عرضه آن، چه در طبیعت و چه از لحاظ خلاقیت انسان محدود است» (همدان، ۲۰۱۴؛ هترو، ۲۰۱۰). مقالات متعددی نیز ویژگی‌های چهارگانه ذیل را برای تعریف «دولت رانتیر» یا «دولت تحصیل‌دار» برمی‌شمارند

دارد ابتدا منظومه فکری رانت و همبسته‌های آن را آن‌چنان که در مقالات و کتب فارسی‌زبان به چاپ رسیده، ترسیم کند و سپس به استخراج «اصول بدیهی»^۱ این «منظومه اندیشگی» بپردازد. در نهایت، تلاش می‌کند از رهگذر نقد این «اصول بدیهی»، راه را برای دستیابی به الگویی کارآمدتر برای مطالعه اثرات اجتماعی اقتصاد رانتی در ایران هموار کند.

روش‌شناسی

این پژوهش از روش تحلیل مضمون بهره گرفته است. از این روش برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی استفاده می‌شود. در اینجا از بین روش‌های متعدد تحلیل مضامین، از تحلیل شبکه مضامین استفاده شده است که ارتباط میان مضامین را در انگاره‌هایی شبیه به تارنما نشان می‌دهد. (عابدی و همکاران، ۱۳۹۰)

برای انتخاب مقالات فارسی‌زبان ابتدا کلیدواژه‌های «رانت»، «رانت‌جویی»، «رانت‌خواری» و «دولت رانتی»، هم به تنهایی و هم به صورت ترکیبی در بانک‌های اطلاعاتی مقالات علمی و عمومی جستجو شد. مهم‌ترین بانک‌های اطلاعاتی مقالات که جستجو بر روی آنها صورت گرفته، عبارتند از: «پایگاه مجلات تخصصی نور»^۲، «بانک اطلاعات نشریات کشور»^۳ و «پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی»^۴. تلاش شد دست‌کم ۱۰ مقاله متعلق به دهه ۷۰، ۲۰ مقاله متعلق به دهه ۸۰ و تمامی مقالات متعلق به دهه ۹۰ تاکنون، مورد مطالعه اولیه قرار گیرند. پس از مطالعه و دسته‌بندی این مقالات، با توجه به اینکه از لحاظ جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز برای تحلیل به «اشباع نظری» رسیدیم، عملیات جستجوی مقاله متوقف شد. به طور کلی می‌توان این مقالات را در سه دسته کلی «مقالات علمی-پژوهشی»، «مقالات علمی-ترویجی» و «مقالات عمومی» جای داد. مقالات علمی-پژوهشی و مقالات علمی-ترویجی از دسته

1. Postulates
2. www.noormags.ir
3. www.magiran.com
4. www.sid.ir

اقتصادی» عنوان می‌کنند. در نتیجه، راه‌حل را در «حذف انحصارات»، «کاهش اندازه دولت»، «عدم تعیین اداری نرخ‌ها» و «حذف مقررات پیچیده» می‌جویند. خضری و رنانی (۱۳۸۳) بر این باورند که «در جاهایی که دولت سازوکار مسلط مدیریت منابع می‌شود، پدیده‌هایی مانند رانت‌جویی و فساد سیاسی و اقتصادی فراگیر شده و هزینه‌های زیادی بر ساکنان آن تحمیل خواهد شد». به باور آنها با ورود دولت، قوانین تبعیض‌آمیز تصویب شده و مصادره آغاز می‌شود. چنین وضعیتی به ایجاد حقوق جدید برای اعضای گروه مسلط و در نتیجه، فساد اداری منتهی می‌شود.

شیرخانی (۱۳۹۱) به نقل از جیمز بیل می‌گوید: «در خاورمیانه به جای آنکه ثروت به قدرت بینجامد، قدرت به ثروت انجامیده است». شریعتی (۱۳۸۶) به نقل از بیلو می‌گوید: «سیاست در جوامع تحت کنترل دولت رانتیر، ناپدید می‌شود و نه فقط به مثابه موضوعی برای مباحث جدی، بلکه حتی به شکل غیر رسمی و در خفا نیز مطرح نمی‌گردد». از نظر عبوسی (۱۳۸۷) «درآمدهای ناشی از رانت هیچ ارتباطی با فرایندهای تولیدی در اقتصاد داخلی ندارند» و لذا «از حیث سیاسی، رانت نفت سبب جدایی دولت از مردم و سلطه نهاد دولت بر جامعه می‌گردد». اسحاقی (۱۳۸۴) رانت را «معادل تبعیض، مفت‌خوری و نیز کسب ثروت بادآورده» دانسته است.

فراگوزلو (۱۳۸۷) کاتوزیان را اولین کسی می‌داند که به این بحث پرداخته است. از نظر وی، عده‌ای نیز «ملی شدن صنعت نفت را عامل همه ناکامی‌ها دانسته‌اند». برخی نیز با استناد به نظریات فرید زکریا در کتاب «آینده آزادی»، به این بحث دامن زده‌اند و نفت را به «عنوان مصیبتی بزرگ و مانعی بر سر راه توسعه» می‌دانند. وی از قول فریدمن چنین می‌گوید: «هیچ چیز چون نفرین نفت، عامل به تعویق افتادن عروج چارچوب دموکراتیک در جاهایی مانند ونزوئلا، نیجریه، عربستان و ... نبوده است».

عبوسی، ۱۳۸۷؛ شیرخانی، ۱۳۹۱؛ حاجی‌یوسفی، ۱۳۷۶؛ شریعتی، ۱۳۸۶؛ پیکتی^۱ و همکاران، ۲۰۱۴، دانینگ (۲۰۱۲):

۱. ۴۲ درصد از درآمدهای آن از رانت خارجی به دست می‌آید.
۲. درآمدهای آن هیچ ارتباطی با فرایندهای تولیدی در اقتصاد داخلی ندارد.
۳. در آن، درصد کمی درگیر تولید رانت هستند. بنابر این، اکثر جامعه دریافت‌کننده و تعدادی نیز توزیع‌کننده‌اند.
۴. دولت رانتیر اصلی‌ترین و در نتیجه هزینه‌کننده درآمدهای ناشی از رانت است.

تعریف دیگری از رانت، مبتنی بر فرایندی است که «طی آن یک فرد یا نهاد یا گروه، صاحب اطلاعات، فرصت‌ها و امتیازهایی شود که دیگران از آن بی‌بهره‌اند و با تصاحب این فرصت‌ها، به سرمایه‌های مالی و موقعیت‌های ممتاز سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دست یابد». در این مفهوم از رانت، نوعی ارتکاب به فساد اداری نهفته است و این استفاده آگاهانه از امتیازات ویژه که دیگران در شرایط مساوی از آن بهره‌ای ندارند، اغلب زاییده انحصار است. همچنین هر گونه «سود غیر متعارفی که بدون زحمت» و تنها به دلیل «برخورداری از امتیازات، اطلاعات، موقعیت و شرایط خاص» به فرد یا مجموعه‌ای از افراد تعلق گیرد، رانت نامیده می‌شود (سردارآبادی، ۱۳۸۴). رحمانی (۱۳۸۸)، رانت‌جویی را «تلاش‌های قانونی (لابی‌گری) و غیر قانونی (رشوه‌دهی) افراد و گروه‌های کم‌سود» می‌داند. خضری و رنانی (۱۳۸۳) آن را «تلاش لابی‌گرانه افراد و گروه‌های همسود خصوصی» می‌دانند. مقاله‌ای دیگر، رانت‌جویی را تلاش و رفتار فرد یا گروه خاصی برای «کسب امتیازات و انحصارات اقتصادی یا حفظ آن به وسیله سازوکارها و اعمال نفوذ سیاسی» تعریف کرده است (سردارآبادی، ۱۳۸۴). برخی نیز رانت‌خواری را به مفهوم آفازاده‌ها پیوند می‌زنند. (گزارش، ۱۳۸۱)

ابریشمی و هادیان (۱۳۸۳) رانت را عامل «کاهش رشد اقتصادی و فعالیت‌های تولیدی» می‌دانند و مهم‌ترین عامل پیدایش رانت را «وجود محدودیت‌های دولتی بر فعالیت‌های

بدین ترتیب می‌توان تصویر کلی دولت رانتی و رابطه همبسته آن با همدیگر را چنین توصیف کرد:

دولتی که بخش اعظمی از درآمدش از رانت به دست می‌آید، دولت رانتیر نام دارد. دولت ایران نیز به روایت‌هایی از اواخر دهه ۳۰ هـ.ش و به روایتی متقن‌تر از اوایل دهه ۵۰ به عنوان دولتی رانتی محسوب می‌شود. درآمد اصلی چنین دولتی از فروش نفت خام به دست می‌آید. در نتیجه، نیازی به گرفتن مالیات از مردم ندارد و به همین خاطر بر بالای جامعه سرگردان بوده، حاجتی به نمایندگی مردم برای تدوینش نمی‌بیند و از این رو، مستقلاً دست به اعمال حاکمیت می‌زند. چنین دولتی در اقتصاد دخالت می‌کند و با اعمال کنترل بر واردات، ایجاد صنایع ناکارآمد را سبب می‌شود. هر کس را که بخواهد بر صدر می‌نشانند و با ایجاد تبعیض در فرصت‌های کسب ثروت (ارائه اسناد و امتیازات خاص)، روحیه رانت‌جویی را در جامعه دامن می‌زند. از این رو، روحیه کارآفرینی و تولید از بین می‌رود و فساد و رشوه‌خواری در جامعه فراوان می‌شود. بدین ترتیب برخی از نظریه‌پردازان با آمار و ارقام نشان داده‌اند که کشورهای رانتی دچار «نفرین منابع» شده‌اند و وجود منابع عظیم طبیعی مانعی بر سر راه توسعه آنهاست.

این تصویر دولت رانتی است که تقریباً تمامی نویسندگانی که در این باره قلم زده‌اند، در نوشته‌های خود آن را به خواننده ارائه می‌دهند. اگر چه زبان این نویسندگان متفاوت است و هر یک تا حدی با ارائه شواهدی از رشته خود (اقتصاد، مدیریت، علوم سیاسی یا علوم اجتماعی) سعی دارد سندیت آن را نشان دهد، اما تصویر کلی ارائه‌شده تقریباً ثابت است.

۲. استخراج منظومه اندیشگی

به طور کلی در واری مقالات متعدد در حوزه رانت و همبسته‌های آن، می‌توان منظومه‌ای از مفاهیم به هم مرتبط را مشاهده کرد. این مفاهیم در کنار همدیگر «منظومه اندیشگی» ارائه می‌کنند که آن را به صورت مستدل و با ارجاعات فراوان ترسیم کردیم. در ادامه نشان داده خواهد شد که این

منظومه اندیشگی به صورت یک «طرحواره شناختی» در ذهن نویسندگان و مخاطبان حضور دارد و دارای اصول موضوعه‌ای است که کاملاً بدیهی انگاشته می‌شوند. اصول موضوعه مذکور در تمامی مقالات فارسی‌زبان مربوط به رانت، رانت‌جویی و دولت رانتی تکرار شده‌اند و به عنوان شالوده‌ای عمل می‌کنند که تمامی نتایج نهایی و نیز پیشنهادهای نویسندگان برای مواجهه با چنین وضعیتی بر آنها استوار است.

۱) دولت رانتی از جامعه مستقل است.

اولین «اصل موضوعه» در این «منظومه اندیشگی» عبارت است از اینکه «دولت رانتی از جامعه مستقل است». این گزاره به زبانهای مختلف در تمامی بحثهای مربوط به دولت رانتی مورد توجه قرار گرفته و به آن اشاره شده است. کاتوزیان به عنوان یکی از اولین‌ها، بیان می‌دارد که «... در یک کلام، این پول [درآمد ناشی از رانت] مالیات‌دهندگان نیست تا دولت در مورد چگونگی خرج کردن آن ملزم به پاسخگویی باشد» (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۲۹۰). چنین ایده‌ای ریشه در بحث‌های اولیه دولت رانتی دارد که توسط حازم بیلای و حسین مهدوی ارائه شده و نشان خواهیم داد که به بیانات مختلفی در مقالات فارسی‌زبان مربوط به این حوزه، بارها تکرار شده است. شیرخانی (۱۳۹۱) بر این باور است که هر چقدر دولت رانتی بیشتر به منابع رانتی متکی باشد، «میزان استقلال آن از جامعه بیشتر می‌شود». گرجی و اقبالی (۱۳۹۰) عنوان می‌دارند که «در اقتصادهای رانتی، دولتها به دلیل وابستگی به بخش رانتی، از استقلال خاصی برخوردارند». به باور ایشان، علت چنین وضعیتی این است که چنین دولت‌هایی «به مالیات‌هایی که از سوی دولت پرداخت می‌شود، وابسته نیستند». عیوضی (۱۳۸۷) از حیث سیاسی، رانت نفت را «سبب جدایی دولت از مردم و سلطه نهاد دولت بر جامعه» می‌داند. شریعتی (۱۳۸۶) ضمن اشاره به نظرات کایرن چودری، فیلیپ راوکینز و حازم بیلای، اشاره می‌کند که از نظر این نویسندگان، «توافقی نانوشته بین مردم و حکومت شکل می‌گیرد مبنی بر اینکه آنها از نمایندگی دست می‌کشند و در عوض مالیات نمی‌دهند». این عبارت،

(۱۳۸۴) بر این باور است که در کشوری توسعه نیافته به دلیل عدم وجود «کنترل دموکراتیک»؛ یعنی «آزادی گسترده مطبوعات و رسانه‌های جمعی»، رانتها به فساد اداری- مالی تبدیل می‌شوند. پناهی و امینی (۱۳۹۰) نیز «وجود جامعه مدنی را برای دولت رانتیر غیر ضروری» می‌دانند و بدین ترتیب، تلویحاً بر این باورند که در صورت ایجاد جامعه مدنی باز و آزاد، فساد در چنین جوامعی کمتر خواهد شد. اغلب نویسندگان در این باره به بحث درباره جامعه مدنی و دموکراسی پرداخته‌اند و تلویحاً نشان داده‌اند که چنین دولت‌هایی با آزادی‌خواهی فاصله دیرینه دارند (عسگری، ۱۳۸۹). بحث درباره جامعه مدنی و دموکراسی، آن چیزی است که اصل بدیهی «مطبوعات غیر آزاد و محدود» را به اصل بدیهی «استقلال دولت رانتی از جامعه» متصل می‌کند. (ابطحی و حیدری، ۱۳۹۲)

۴) کلی‌گویی و آشفتگی مفهومی

یکی از ویژگی‌های بارز مقالاتی که در این حوزه نگاشته شده‌اند، کلی‌گویی و به هم بافتن مفاهیمی است که در میان عامه مردم معنایی نزدیک به همدیگر دارند. این ویژگی را نمی‌توان به عنوان یک اصل موضوعه در نظر آورد، اما روشی است که در اکثر مقالات این حوزه به چشم می‌خورد. به عنوان مثال، آنجا که بحث درباره «استقلال دولت رانتی از جامعه» مطرح می‌شود، شاهد به کار بردن مفاهیمی از قبیل «توسعه نیافتگی» (شیرخانی، ۱۳۹۱)، «استبداد» (فراگوزلو، ۱۳۸۷) و ... هستیم. گویی استبداد مفهومی همه جا حاضر است که هر چیزی را می‌توان با آن تبیین کرد (رفیعی، ۱۳۸۴). این کلی‌گویی‌ها و آشفتگی‌های مفهومی، هنگامی که درباره اصل دوم (رانت معادل با درآمد بی‌زحمت) صحبت می‌شود، به اوج می‌رسد. واژه‌های بسیاری که هر یک بایستی جداگانه مورد واکاوی قرار گیرند، در کنار همدیگر و بدون تفکیک دقیق عالمانه مورد اشاره قرار می‌گیرند. از جمله این مفاهیم می‌توان به «فساد»، «رشوه‌خواری»، «پارتی‌بازی»، «آفازده‌ها»، «رانت‌خواری»، «انحصارطلبی» و ... اشاره کرد. (رحمانی، ۱۳۸۸؛ سردارآبادی، ۱۳۸۴؛ نوبخت و دیگران، ۱۳۹۲؛ گرجی و دیگران، ۱۳۹۰)

بیان دیگری از اصل «استقلال سیاسی دولت رانتی از جامعه» است. حاجی‌یوسفی (۱۳۷۶) شعار «عدم دریافت مالیات در مقابل عدم وجود نمایندگی» را جزء اساسی رانتیرسم می‌داند و نتیجه می‌گیرد که چنین توافقی منجر به «تحکیم پایه‌های قدرت و سلطه هر چه بیشتر دولت رانتیر» می‌شود. در واقع؛ گویی دولت رانتی نه تنها حیاتی مستقل از جامعه دارد، بلکه به واسطه توافقی نانوشته، سلطه خود را مشروعیت می‌بخشد.

۲) رانت درآمدی است که بدون زحمت به دست

می‌آید.

در مقالات فارسی‌زبان، هر جا از رانت‌جویی و کسب رانت صحبت می‌شود، آن را پول بادآورده‌ای خطاب می‌کنند که دولت رانتیر برای به دست آوردن آن تلاش زیادی نمی‌کند و افرادی که اصطلاحاً رانت‌جو یا رانت‌خوار نامیده می‌شوند نیز برای به دست آوردن آن، کار خاصی انجام نمی‌دهند و در یک شرایط غیر رقابتی آن را به دست می‌آورند. از این رو، این افراد به خرج کردن بی‌رویه آن می‌پردازند و لذا روحیه تلاش و سختکوشی از جامعه رانتی رخت برمی‌بندد. به عنوان مثال، عیوضی (۱۳۸۷) رانت را درآمدی دانسته که «بدون تلاش به دست می‌آید». سردارآبادی (۱۳۸۴) برای تبیین تفاوت «سودجویی» با «رانت‌جویی» بر شکل‌گیری سودجویی در بازار و وضعیت رقابتی انگشت می‌گذارد و زمینه رانت‌جویی را «وضعیت اقتصادی غیر بازاری و غیر رقابتی می‌داند». رفیعی (۱۳۸۴) به نقل از گزارشی از مقامات آمریکایی، درآمد نفت را «بی‌زحمت» خطاب می‌کند. رحمانی (۱۳۸۸) بر مصرف بدون فکر و راحت رانت توسط کسانی که این «پول بی‌زحمت» را به دست آورده‌اند تأکید می‌کند و بر این باور است که این افراد «انگیزه‌ای برای تحصیل ندارند».

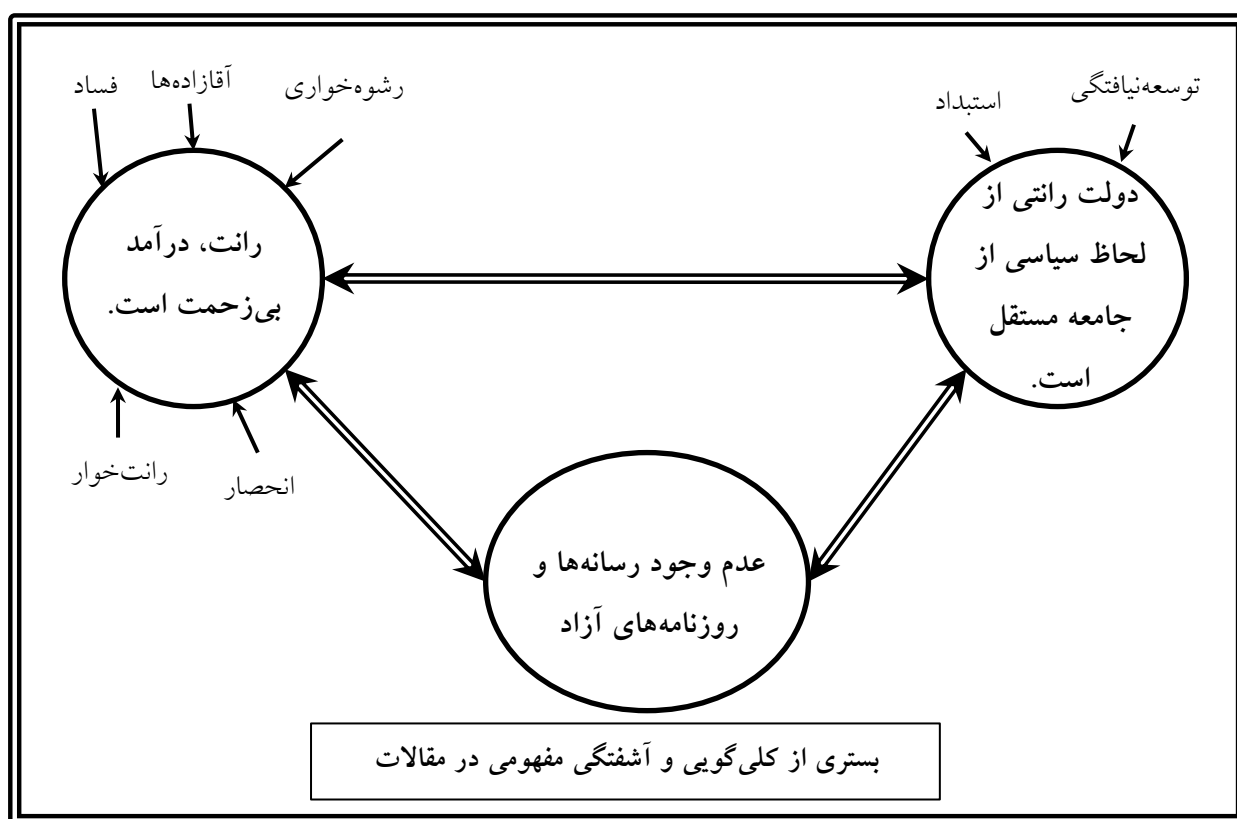
۳) نبود مطبوعات آزاد و گسترده

یکی دیگر از اصول موضوعه این است که در صورت وجود مطبوعات آزاد و گسترده می‌توان از رانت‌جویی و رانت‌خواری جلوگیری کرد. البته این موضوع در تعداد کمی از مقالات حوزه رانت مد نظر قرار گرفته است. رفیعی

آنها یافت می‌شوند، اما از یک سو به دقت تعریف نشده‌اند و از دیگر سو، ارتباطشان با همدیگر تصریح نشده است.

با وجود اینکه اصول موضوعه یادشده، مخرج مشترک دیدگاه‌های اندیشمندان مختلف با رشته‌های متنوع در این حوزه است، محورهای یادشده در طول زمان ثابت مانده‌اند؛ تا جایی که مقالات اخیرتر، در واقع خلاصه‌ای از مقالات قدیمی‌تر را شامل می‌شوند. این ماندگاری نشان‌دهنده این است که نوعی «منظومه اندیشگی» برای مدتی طولانی در ذهن نگارندگان حضور داشته و همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد.

بدین ترتیب می‌توان این «منظومه اندیشگی» را به صورت شکل ۱ ترسیم کرد. در این منظومه اندیشگی، سه مؤلفه اصلی وجود دارد که یکی از آنها؛ یعنی «عدم آزادی مطبوعات و رسانه‌ها» از اهمیت کمتری برخوردار است، در مقالات کمتری مورد بحث قرار گرفته و به نظر می‌رسد بیشتر تحت تأثیر فضای سیاسی دولت اصلاحات نگاشته شده است. اما دو گزاره اصلی دیگر: «دولت رانتی مستقل از جامعه» و «رانت به عنوان درآمدی بادآورده»، تقریباً در تمامی مقالات، مورد بحث قرار گرفته‌اند. در کنار «اصول بدیهی» یادشده، تعدادی مفاهیم فرعی نیز حضور دارند که با توجه به بافت کلی مقالات؛ یعنی «آشفته‌گی مفهومی» در



شکل ۱. منظومه اندیشگی که تقریباً تمامی مقالات حوزه رانت واقعیت را از پس آن می‌بینند و بسان طرحواره‌ای شناختی عمل می‌کند.

رمزگردانی کنیم. این ساختارهای ذهنی حتی بازیابی اطلاعات از حافظه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بدین ترتیب که تنها اجازه بازیابی اطلاعاتی را می‌دهند که با آنها همخوان باشند. از این رو، به تعبیر نگارنده این سطور، «طرحواره‌ها واقعیت را می‌خورند تا پروار شوند» (بارون و دیگران، ۱۳۹۲:

۶۵-۶۱)

این منظومه ذهنی بسان «طرحواره‌ای شناختی»^۱ عمل می‌کند. طرحواره‌ها چارچوب‌های ذهنی‌اند که ما را در سازماندهی اطلاعات یاری می‌رسانند. طرحواره‌های شناختی به ما می‌گویند که در جهان پیرامون خود به چه چیزهایی توجه کنیم و چگونه داده‌های اطرافمان را برای ورود به ذهن

طرحواره‌های شناختی چون بديهی انگاشته می‌شوند، بسان فرایندهای خودکار عمل می‌کنند. اما نکته اینجاست که ابزارهای اصلی در دست عالمان،^۳ واژه‌ها و مفاهیم‌اند و نمی‌توان آنها را با استفاده از فرایندهای خودکار شناختی به کار برد. استفاده از واژگانی مانند «وارسی»، «واکاوی»، «مداقه»، «تأمل» و ... که با کار عالمانه هم‌نشین هستند، همگی مستلزم توجه دقیق و بهره‌گیری از «فرایندهای شناختی کنترل شده»‌اند. از این رو، در ادامه قصد داریم هر یک از اصول بديهی مربوط به طرحواره شناختی یاد شده را مورد مذاقه قرار دهیم.

عدم تعریف دقیق و آشفتگی مفهومی، بستری است که رشد و شکل‌گیری چنین طرحواره شناختی‌ای در آن گریزناپذیر خواهد بود. به عنوان مثال، مقاله‌ای بر این باور است که «گسترش تخلفات اقتصادی و سوء استفاده‌های اشخاص پرنفوذ و وابستگان ایشان که اینک مسئله آفازاده‌ها یا رانت‌خواری و رانت‌سازی نامیده می‌شود...» (گزارش، ۱۳۸۱). بدین ترتیب، نشان داده می‌شود که هیچ تفکیک مشخصی بین روشهای مختلف فساد اداری رخ نمی‌دهد. تعریف دقیق، اولین گام کار عالمانه است. عدم تعریف دقیق، خود نشان از این دارد که این چارچوب معرفتی ترسیم شده، کارکردی کلیشه‌ای و نه عالمانه دارد. تعریف یک واژه بایستی بتواند به ترسیم مرز معنایی آن بپردازد؛ یعنی افراد و اعضای مندرج در داخل حوزه معنایی را مشخص کند و نشان دهد چه موارد و مصداق‌هایی خارج از حوزه معنایی قرار دارند. به بیان دقیق‌تر، تعریف بایستی «جامع افراد و مانع اغیار» باشد. (بخارایی، ۱۳۹۳: ۲۰)

اسحاقی (۱۳۸۴) رانت‌جویی را فعالیتی «کم‌زحمت و پر سود» می‌داند که طرفداران زیادی پیدا کرده است. بر این اساس، رانت‌جویی عملی کاملاً عقلانی است. بدین ترتیب که افراد در وضعیتی که در آن قرار دارند، به دنبال افزایش سود و کاهش هزینه‌اند. با وجود آنکه بسیاری از مقالات، این درآمد را بادآورده می‌دانند، افراد برای به دست آوردن رانت زحمت زیادی می‌کشند. به دنبال رانت بودن، مستلزم

اغلب نگارندگان، این «طرحواره شناختی» را تقریباً بدون هیچ کم و کاستی پیش‌فرض گرفته‌اند و بقیه بحث‌های خود را بر آن استوار کرده‌اند. اما از آنجا که کلی و مبهم بودن، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های «طرحواره‌های شناختی» است، نویسندگان از کلی‌گویی و آشفتگی مفهومی ناگزیر می‌شوند. طرحواره‌سازی یک سازوکار ذهنی است که زندگی بدون آن ممکن نیست؛ چرا که بخشی از فرایندهای خودکار ذهنی به حساب می‌آیند. ذهن انسانها بر اساس دو نوع عمده از فرایندهای شناختی و هیجانی عمل می‌کند که عبارتند از «فرایندهای خودکار»^۱ و «فرایندهای کنترل شده»^۲. بهره‌گیری از مثال رانندگی می‌تواند ما را در فهم این مفاهیم بیشتر یاری کند. هنگام یادگیری رانندگی، تمرکز و توجه زیادی نیاز داریم و در واقع درگیر یک «فرایند کنترل شده» هستیم. اما پس از اینکه با تکرار و تمرین به راننده‌ای حرفه‌ای بدل شدیم، دیگر برای انجام اعمال مختلف رانندگی، نیازی به فکر کردن نداریم و لذا درگیر «فرایند شناختی خودکار» می‌باشیم. (کاندا، ۱۳۸۴: ۳۲۵)

در مجموع می‌توان مباحث مرتبط با رانت را که در مقالات فارسی‌زبان منعکس شده‌اند، به صورت نوعی منظومه اندیشگی در نظر گرفت که بسان طرحواره‌ای شناختی عمل می‌کند و دارای سه اصل موضوعه و نیز بستری از «کلی‌گویی و آشفتگی مفهومی» است. اولین اصل موضوعه، «استقلال دولت رانتی» است و بر اساس آن دولت رانتی به واسطه درآمد مستقل از جامعه به نوعی سلطه‌گرایی و عدم نیاز به نمایندگی مردم دست می‌زند. اصل موضوعه دیگر، درآمد رانتی را «درآمدی بادآورده» به حساب می‌آورد. اصل موضوعه سوم نیز بر این نکته تأکید می‌گذارد که «آزادی گسترده مطبوعات» می‌تواند از بروز فساد در دولت‌های رانتی تا حد زیادی بکاهد.

بحث و نتیجه‌گیری

(۱) نقد اصول بديهی

1. Automatic Processes
2. Controlled Processes

بعد با من به عنوان فردی که در شرکت حضور نداشتم و هیچ تخصصی هم نداشتم تماس گرفته می‌شد و من می‌گفتم حتماً بایستی پروژه را ببینم و قرار ملاقاتی به همراه مجری طرح و نیز کارشناس گردشگری گذاشته می‌شد. در عمل کارشناس گردشگری از طرح بازدید می‌کرد و من می‌گفتم برآورد قیمت را بعداً به شما اعلام خواهم کرد. اما در عمل کارشناس اداره گردشگری چنین کاری را انجام می‌داد و به من اطلاع می‌داد. من هم تلفنی به مجری طرح اطلاع می‌دادم. در واقع؛ من فقط واسطه انجام این معامله بودم. حتی مجری طرح کاملاً می‌دانست که چنین بازی‌ای در جریان است؛ زیرا هنگام توضیح دادن طرح، روی صحبتش تنها با کارشناس گردشگری بود. ... در چنین وضعیتی هیچ یک از ما فکر نمی‌کردیم که داریم کار اشتباهی می‌کنیم و هیچ احساس گناهی هم از این موضوع نداشتم. این هم کار است دیگر ...».

این مصاحبه به خوبی نشان از این دارد که چگونه شبکه‌های رسمی و غیر رسمی در ارتباط با همدیگر می‌توانند فساد را در ساختاری اقتصادی که جریان ثروت از بالا به پایین است دامن بزنند. در همین مجموعه، افرادی که دارای کمترین دانش و تجربه گردشگری بودند، تنها به واسطه اینکه زمین پدری‌شان در جای مناسبی قرار داشت، می‌توانستند از وام‌های میلیاردی بهره‌مند شوند. سپس در این مکان کارهای نصفه و نیمه‌ای انجام می‌دادند و بقیه پول را در بخشهای سودآوری چون ملک و ... سرمایه‌گذاری می‌کردند. این در حالی است که چنین پدیده‌ای اصلاً توسط منظومه اندیشگی یاد شده دیده نمی‌شود؛ چون همان طور که اشاره شد، «طرحواره‌های شناختی» حتی به ما می‌گویند که چه چیزی را بایستی مشاهده کنیم و چه چیزی را بایستی از قلم بیندازیم. اگر بخواهیم از زاویه چنین طرحواره‌ای به این وضعیت نگاه کنیم، اولاً دچار آشفتگی مفهومی می‌شویم، ثانیاً ناچاریم بگوییم «دولت بایستی یکسان‌سازی کند» و به کسی وام ندهد.

به هر حال با توجه به آنچه گفته شد، نمی‌توانیم در آمد ناشی از رانت در سطح خرد جامعه را پولی بادآورده خطاب

نگهداشت شبکه پیچیده‌ای از ارتباطات است. رانت‌جویی حاصل کمیابی در آن چیزی است که رانت‌جو آن را می‌جوید. به همین خاطر، رانت‌جو بایستی بتواند تمامی فعالیتهای رانت‌جویانه خود را از دید دیگران و به ویژه از دید رقیبان خود پنهان دارد. او همچنین بایستی به لطایف‌الحیل و با بازی کردن نقشهای بسیار پیچیده، تشخیص دهد که الان از چه رانتهی بایستی بهره ببرد.

گوش‌بزننگی و جستجوی اطلاعات مفید از میان دسته‌های بزرگ اطلاعات، از دیگر ویژگی‌های یک رانت‌جو به حساب می‌آید. بنابر این، رانت‌جویی اصلاً مفت‌خوری نبوده و یک کار تمام‌وقت و با خطرپذیری بالا به حساب می‌آید که فرد بایستی همواره توانایی بازی کردن نقشهای متعدد را دارا باشد. طبیعی است فردی که از چنین توانایی‌هایی برخوردار است، از طرفی از سوی جامعه برچسب «زرنگ» می‌خورد و از طرف دیگر، خود را مستحق به دست آوردن آن چیزی می‌داند که به دنبال آن است. او مرتکب عملی به غایت عقلانی می‌شود؛ زیرا زحمتی فکری با خطرپذیری بالا انجام می‌دهد تا به رانت اقتصادی یا اطلاعاتی ارزشمندی دست یابد. در واقع؛ آنچه مسلم است اینکه رقابتی شدید برای به چنگ آوردن رانت در فرایندهای فساد اداری وجود دارد. «ط.ر.» یکی از افرادی است که حاضر شده در این زمینه با نگارنده مصاحبه کوتاهی درباره نحوه همکاری‌اش با شبکه‌ای از کارمندان سازمان جهانگردی را بازگو کند:

«شرکتی از ناظران سازمان میراث فرهنگی درست شده بود و از من خواسته شد به عنوان مدیرعامل شرکت معتبری که قرار است با آنها همکاری کنم، وارد پروژه شوم. کسی که می‌خواست مجموعه گردشگری بسازد، بایستی یک طرح توجیهی فنی اقتصادی آماده می‌کرد که بایستی این طرح مورد ارزیابی سازمان قرار می‌گرفت و بر این اساس، برای دریافت وام به بانک معرفی می‌شد. بازرسان با همدیگر شبکه‌ای درست کرده بودند که این طرح را تأیید نمی‌کردند. مجری طرح می‌پرسید خوب باید چه بکنیم. آن وقت می‌گفتند بهترین طرح‌ها را فلانی و فلان شرکت می‌نویسند.

ایران دارای پیچیدگی‌های فراوان است و نمی‌توان آن را کل یکپارچه‌ای به حساب آورد. دولت به عنوان اصلی‌ترین خرج‌کننده بایستی مجلس و شورای نگهبان را راضی کند. بسیاری از سیاستها در ایران نشان‌دهنده این است که اتفاقاً دولت گاهی بیش از آنکه باید، برای جامعه خرج کرده است. ارتباطات عجیب و بسیار پیچیده‌ای که بین نمایندگان مجلس و بدنه قوه اجرایی از یک سو و مردم از سوی دیگر برقرار است، امکان این جداسازی بین دولت و جامعه را ناممکن کرده است. مسئله حائز اهمیت این است که دامنه دولت به درون مردم کشیده می‌شود. دولت یک موجودیت جدای از جامعه نیست. این تقسیم‌بندی بین دولت و جامعه تنها در سطح تحلیلی صورت می‌گیرد و بایستی تنها در همان سطح تحلیلی باقی بماند. اندیشمندان برای فهم واقعیت بیرونی تلاش می‌کنند در یک سطح تحلیلی و مفهومی، دولت را از جامعه جدا کنند. اما بازگشت مجدد به سطحی عینی و عملیاتی، نیازمند ظرافتهای بسیاری است که در این «منظومه اندیشگی» کمتر مورد مذاقه قرار گرفته‌اند. برای مثال، روشن نیست که دقیقاً مرز دولت از جامعه کجا تمام می‌شود.

خلاصه آنکه برای مطالعه دولت رانتی قبل از هر چیز بایستی به تعریف دقیق و مصرح همبسته‌های دولت رانتی پرداخت. مذاقه و تأمل در اصول موضوعه یادشده نشان داد که مرز دقیق جدایی دولت از جامعه در بازنمایی این نظریه در مقالات فارسی روشن نیست. در ادامه نشان داده شد که به راحتی نمی‌توان درآمد ناشی از رانت را پول بادآورده و رانت‌جویان را افرادی مفت‌خور خطاب کرد؛ چرا که کنش رانت‌جویی، کنشی عقلانی و با خطرپذیری بالاست. مقاله در نهایت نیز بر این نکته انگشت می‌گذارد که آزادی مطبوعات الزاماً به کاهش یا حتی کشف دقیق رانت‌جویی نمی‌انجامد.

۲) پایان کلام

تنها با نگاهی نه چندان عمیق به سبک زندگی ایرانیان طی ۲۰ سال گذشته می‌توان دریافت که امکان ندارد با چارچوبی مفهومی به تحلیلی پرداخت که بیش از ۵۰ سال تقریباً دست نخورده باقی مانده باشد. چنین چارچوبی که با وجود این همه تغییر در سبک زندگی، نوع لباس پوشیدن، تفریحات،

کنیم که دارندگان، بی‌حساب و کتاب آن را خرج می‌کنند و ارزشی برای آن قائل نیستند. وقتی برای گرفتن وامی معمولی جهت ساختن یک مجموعه تفریحی ساده چنین روابط پیچیده‌ای وجود دارد، تصور اینکه چه روابط و بازی‌های پیچیده‌ای برای اختلاسه‌های بزرگ بایستی وجود داشته باشد، دور از انتظار نیست. ضمن اینکه نگاهی به فهرست بلندبالای فعالیت‌های اقتصادی رانت‌خوارانی مانند «ب.ز.» و «ش.ج.»، نشان‌دهنده این است که نمی‌توان آنها را «مفت‌خور» نامید. از قضا ایده دیگری که می‌تواند مورد سنجش قرار گیرد، این است که اتفاقاً چون درآمد رانت با سختی و در شرایط رقابت‌آمیز خیلی شدیدی به دست می‌آید، رانت‌جویان هر چه سریع‌تر تلاش می‌کنند آن را به چرخه اقتصاد بیندازند تا از سویی پولشویی کرده باشند و از دیگر سو، درآمد پرمخاطره رانتی را به سرمایه‌ای برای کارهای با خطرپذیری کمتر تبدیل کنند.

«عدم آزادی گسترده مطبوعات و رسانه‌های جمعی» به عنوان یکی از «اصول موضوعه» ای است که هر چند به این وضوح در جایی بیان نمی‌شود، اما تلویحاً در مقالات متعدد مورد توجه قرار می‌گیرد. معنای منطقی چنین اصلی این است که در صورت وجود مطبوعات و رسانه‌های جمعی، می‌توان جلوی فساد مالی اداری را گرفت. با این حال، افشاگری‌ها درباره اختلاس ۳۰۰۰ هزار میلیاردی نتوانست مشکلی را حل کند. وقتی افشاگری صورت می‌گیرد، مفسدان اقتصادی مالی و اداری، راهی نیز برای پنهان ساختن پیدا می‌کنند. نکته دیگر اینکه، گفته می‌شود «عدم وجود رسانه‌های آزاد یکی از علل فساد مالی و اداری» است؛ در حالی که عکس آن منطقی‌تر می‌نماید؛ یعنی «فساد مالی و اداری یکی از علل عدم وجود رسانه‌های آزاد» است. در اینجا به نظر می‌رسد طرحواره یاد شده دچار تحریف رابطه دو متغیر شده و رابطه «همزمانی» را به عنوان رابطه «علی» مد نظر قرار داده است؛ در حالی که شاید علت سومی، هر دو را باعث شده باشد.

یکی دیگر از اصول موضوعه در طرحواره شناختی، «استقلال دولت رانتی از جامعه» است. حاکمیت سیاسی در

مورد نقد و تأمل قرار گیرد تا اصلاح شده و به قامت زمانه‌اش درآید و اگر تاب زمانه را نیاورد، عرصه را برای پارادایمی جدید باز کند.

این مقاله تلاش کرد تا آنجا که می‌تواند به جای بحث درباره فساد اداری انکارناپذیری که در ایران با آن مواجهیم، نشان دهد ابزاری کارآمد برای رویارویی با آن در دست نیست. تا زمانی که نتوان ابزار تحلیلی سودمندی برای تبیین فساد در ایران ساخت، ناگزیر خواهیم بود تنها از خواندن چنین مواردی در روزنامه‌ها سری تکان دهیم و تأسف بخوریم. از این رو، چون ابزار تحلیلی قدرتمندی نداریم، تلاش شد کار از نقد همین ابزار تحلیلی آغاز شود تا شاید راه برای مسلح کردن آن در تلاش‌های پژوهشی دیگر باز شود.

ارتباطات واقعی و مجازی، فضاهاى شهری و ... همچنان دست نخورده باقی مانده، دیگر نه عالمانه که عامیانه است و متأسفانه بایستی پذیرفت که مقالات یاد شده تنها به دنبال بازتولید «تفکر عامه» و نه «اندیشه‌ای عالمانه» بوده‌اند.

ضرب‌المثل‌ها از جمله طرحواره‌ها و گزاره‌هایی‌اند که سالیان دراز دست نخورده باقی می‌مانند و در اغلب زمان‌ها کاربرد دارند. علت آن است که اولاً، دوری و ابطال‌ناپذیرند و ثانیاً، کلی و مبهم‌اند. از این رو، در هر دوره‌ای از زمان به مانند دالی هستند که در نهایت، مدلول خود را می‌یابند. هر چند ضرب‌المثل‌ها حاوی اطلاعات اخلاقی و فرهنگی ارزشمندی‌اند، اما دانشمندان آنها را به کار نمی‌گیرند؛ چون با مذاقه به دست نیامده‌اند. منظومه اندیشگی که چندین دهه تغییرات در ایران و دیگر دولت‌های رانتی را نادیده می‌گیرد و همچنان به همان سیاق سابق به تبیین می‌پردازد، بایستی

منابع

- بی نام، (۱۳۸۱) "یا دژ آفازاده ها و رانت خوارها تسخیرناپذیر است؟"، مجله گزارش، شماره ۱۲۴
- پناهی، محمدحسین؛ امینی، اشرف (۱۳۹۰) "دولت رانتی، اقتصاددولتی، فرهنگ سیاسی و سرمایه اجتماعی"، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۷، تابستان ۱۳۹۰.
- حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۷۶) "رانت، دولت رانتیر و رانتیریسیم: یک بررسی مفهومی"، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، بهمن و اسفند ۱۳۷۶، شماره ۱۲۵ و ۱۲۶
- خضری، محمد (۱۳۸۷)، "اقتصاد سیاسی رانت جویی در بودجه ریزی دولتی ایران"، پژوهشنامه علوم سیاسی، پائیز ۱۳۸۷، شماره ۱۲
- خضری، محمد؛ رنانی، محسن (۱۳۸۳) "رانت‌جویی و هزینه های اجتماعی آن" نامه مفید، آذر و دی ۱۳۸۳، شماره ۴۵
- درویشی، فرهاد (۱۳۸۷) "انقلاب اسلامی و رانت سیاسی"، علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی)، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، شماره ۴۲.
- ربیعی، علی (۱۳۸۳) "زنده باد فساد: جامعه شناسی سیاسی فساد در دولتهای جهان سوم"، چاپ سوم، تهران، انتشارات سازمان چاپ و انتشارات
- ابریشمی، حمید؛ هادیان، محمد (۱۳۸۳) "رانت‌جویی و رشد اقتصادی (شواهد تجربی ایران)"، تحقیقات اقتصادی، زمستان ۱۳۸۳، شماره ۶۷، صص ۱ تا ۲۸
- ابطیحی، سیدمصطفی؛ حیدری، نصرت الله (۱۳۹۲) "بررسی رابطه نفت و توسعه نیافتگی سیاسی در ایران"، فصلنامه مطالعات سیاسی، ش ۱۹
- اسحاقی، سید حسین (۱۳۸۴) "نگاهی به پدیده رانت و رانت‌جویی در ایران"، رواق اندیشه، شهریور ۱۳۸۴، شماره ۴۵، صص ۲۱ تا ۳۴
- اسدی، سیدپیمان؛ بهرامی، جاوید (۱۳۹۲) "اقتصاد سیاسی نظام ارزی کشورهای نفتی"، فصلنامه اقتصاد انرژی ایران، سال سوم، شماره ۹
- بارون، رابرت؛ بیرن، دان؛ برنسکامب، نیلا (۱۳۹۲) "روان شناسی اجتماعی"، ترجمه یوسف کریمی، نشر روان
- بخارایی، احمد (۱۳۹۳) "جامعه شناسی انحرافات اجتماعی"، انتشارات جامعه شناسان

- رحمانی، تیمور؛ گلستانی، ماندانا (۱۳۸۸) "تحلیلی از نفرین منابع نفتی و رانت جویی بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب نفت خیز تحقیقات اقتصادی"، مجله تحقیقات اقتصادی، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۸۹
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۹) "فرهنگ سازمانی و فساد"، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- رفیعی، حسین (۱۳۸۴) "رانت، فساد مالی- اداری"، کتاب نقد، زمستان ۱۳۸۴، شماره ۳۷
- رهبر، فرهاد؛ میرزوند، فضل الله و زال پور، غلامرضا (۱۳۸۱) "بازشناسی عارضه فساد مالی (ماهیت ها، گونه ها، پیامدها و آموزه های تجربی)"، جلد اول و دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- سبحان اللهی، محمد علی (۱۳۷۵) "رانت و بهره وری، فرایند مدیریت و توسعه"، زمستان ۱۳۷۵، شماره ۱
- سردارآبادی، خلیل (۱۳۸۴) "رانت، فساد مالی و اداری"، کتاب نقد، زمستان ۱۳۸۴، شماره ۳۷
- شاه آبادی، ابوالفضل؛ پورجوان، عبدالله (۱۳۹۳) "تاثیر وفور منابع طبیعی بر عملکرد حکمرانی کشورهای برگزیده نفتی و توسعه یافته: رویکرد پانل GMM"، فصلنامه تحقیقات مدل سازی اقتصادی، سال چهارم، شماره ۱۶
- شریعتی، شهرروز (۱۳۸۶) "چیستی و کاستی نظریه دولت رانتیر"، راهبرد توسعه، پاییز ۱۳۸۶، شماره ۱۱
- شیرخانی، محمدعلی؛ خوشگفتار لامع، حامد (۱۳۹۱) "گفتمان و عملکرد اقتصاد سیاسی در دولت های تحصیلدار"، مجله معرفت، فروردین ۱۳۹۱، شماره ۱۷۲
- صبوری، منوچهر (۱۳۷۸) "جامعه شناسی سازمان ها، بوروکراسی مدرن ایران"، چاپ اول، تهران، نشر صبا.
- طاهری فرد، علی؛ حسینی، سید جعفر (۱۳۹۰) "بررسی امکان پذیرگی توسعه بر پایه منابع طبیعی، فرایند مدیریت و توسعه"، پاییز ۱۳۹۰، شماره ۷۷
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخزاده، محمد (۱۳۹۰) "تحلیل مضمون و شبکه مضامین"، اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، شماره پیاپی ۱۰، صص ۱۵۱ تا ۱۹۸
- عباس زاده مرزبالی، مجید (۱۳۹۳) "پیامدهای سیاسی - اقتصادی دولت رانتیر"، نشریه راهبرد توسعه، شماره ۳۸
- عسگری، محسن (۱۳۸۹) "تاثیر درآمدهای نفتی بر ایجاد دولت رانتیر و دموکراسی"، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۸۹
- عمویی، ابوالفضل؛ مذهبی، مهدی (۱۳۸۷) "رانت نفت و دردسرهاش"، مجله زمانه، خرداد ۱۳۸۷، شماره ۶۹
- عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۷) "نفت و موانع توسعه یافتگی"، راهبرد توسعه، بهار ۱۳۸۷، شماره ۱۳
- قادری، طاهره؛ میرزایی، ساناز (۱۳۹۲)، "بررسی نقش نفت در توسعه سیاسی: مطالعه تطبیقی ایران، مالزی، ترکیه و عربستان"، مجله جامعه شناسی ایران، سال چهاردهم، شماره ۴۰
- قراگزلو، محمد (۱۳۸۷) "دموکراسی، نفت و مالیات: نقادی بر نظریه نئولیبرالیستی دولت رانت خوار نفتی"، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، خرداد و تیر ۱۳۸۷، شماره ۲۴۹ و ۲۵۰
- کاظمی، مهین دخت (۱۳۸۳) "رانت (با نگاهی به این معضل در ایران)"، تازه های اقتصاد، خرداد ۱۳۸۳، شماره ۱۰۳
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۲)، "اقتصاد سیاسی ایران"، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، نشر مرکز
- کاندای، زیوا (۱۳۸۴). "شناخت اجتماعی"، ترجمه حسین کاویانی، نشر مهرکاوایان
- کمیته مطالعات راهبردی امنیت و نظارت، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران (۱۳۸۷)، "سلامت اداری؛ چالشها و راهکارها"، ماهنامه سلامت اداری، شماره ۱
- گرجی، ابراهیم؛ اقبالی، علیرضا (۱۳۹۰) "بررسی اقتصاد رانتی با تأکید بر سیکل های تجاری سیای تحلیلی تئوریک"، پژوهشنامه علوم سیاسی، تابستان ۱۳۹۰، شماره ۲۳
- محمودی، مهدی (۱۳۸۴) "نقش فرهنگ سازمانی در پیشگیری از بروز فساد اداری"، مجله تدبیر، شماره ۱۶۰

- Corra, M. David, W. (2002) "*The Gatekeeper Sociological Theory*", 20, 2: 180-207.
- Dunning, T. (2012) "*Authoritarianism and Democracy in Rentier States*", Department of Political Science, University of California, Berkeley
- Hamdan, F. (2014) "*Intensive and extensive disaster risk drivers and interactions with recent trends in the global political economy, with special emphasis on rentier states*", International Journal of Disaster Risk Reduction,
- Hertog, S. (2008) "*Shaping the Saudi state: human agency's shifting role in rentier state formation*", International journal of Middle East studies, (39: 4 (2007) 539-563)
- Hertog, S. (2010) "*Princes, Brokers and Bureaucrats: Oil and the State in Saudi Arabia*", Ithaca, N.Y.
- Kingston, C., (2008) "*Social Structure and Cultures of Corruption*", Journal of Economoc behavior & organization. Vol.67, PP. 90-102.
- Levins, C. (2013) "*The Rentier State and the Survival of Arab Absolute Monarchies*", Rutgers Journal of Law and Religion; J.D. Candidate May 2013, Rutgers School of Law—Camden
- Loehr, D. (2012) "*The euthanasia of the rentier — A way toward a steady-state economy?*" Ecological Economics, Volume 84, December 2012, Pages 232-239
- Mahdavy, H. (1970) "*The Pattern and Problems of Economic Development in Rentier States: The Case of Iran*", ed. M.A. Cook (Oxford University Press, Oxford 1970).
- Reiche, D. (2010) "*Energy Policies of Gulf Cooperation Council (GCC) countries—possibilities and limitations of ecological modernization in rentier states*", Energy Policy, Volume 38, Issue 5, May 2010, Pages 2395-2403
- منصور نژاد، محمد (۱۳۸۸) "فساد اداری و امنیت اجتماعی"، مجله فرهنگ اندیشه، شماره یازدهم، سال سوم، موسسه پژوهش و توسعه علوم انسانی
- مؤمنی، فرشاد (۱۳۹۱)، "توزیع نامتقارن رانت نفتی و توسعه روستایی"، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال اول، شماره ۱
- مؤمنی، فرشاد؛ صمدیان، فرزانه (۱۳۹۲) "تاثیر کیفیت نهادی بر سازوکارهای تبدیل موهبت به نقرین منابع نفتی (مطالعه موردی ایران)"، پژوهشنامه اقتصادی، سال سیزدهم، شماره ۵۰
- نوبخت، محمدباقر؛ مجیدزاده، رضا؛ غلامی نتاج، سعید (۱۳۹۲) "بررسی مقایسه ای تجارب کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در جهت پیشرفت"، فصلنامه راهبرد اقتصادی، سال دوم، شماره ۵
- هج، ماری جو (۱۳۸۸) "تئوری سازمان مدرن، نمادین - تفسیری و پست مدرن"، ترجمه حسن دانایی فرد، تهران، انتشارات افکار.
- Badiei, S. Bina. C (2002) "*Oil and The Rentier State*", Middle East Economic Association, Allied Social Science Association Meeting, Jauary, 4-6, 2002, Atlanta, GA, USA
- Beblawi, H (1987) "*The Rentier State in the Arab World*", In Hazem Beblawi and Giacomo Luciani, eds., The Rentier State. London.
- Bjorvatn, K. Naghavi, A. (2011) "*Rent seeking and regime stability in rentier states*", European Journal of Political Economy, Volume 27, Issue 4, December 2011, Pages 740-748
- Cheung, H.Y & Chan, A,W,H. (2008) "*Corruption Across Countries: Impacts from education and cultural dimentions*" The Social Science journal. SOCSCI-661. PP 223-239.